

## تبیین نظام اخلاقی در آیین کهن زردشتی

زهرا پورشعبانیان

### مقدمه

دین نظام و برنامه‌ای است که خداوند برای هدایت و رستگاری انسان به پیامبران خویش وحی نموده است، با توجه به اصول اعتقادی در ادیان و مذاهب مختلف می‌توان دریافت که اعتقاد به یک امر قدسی و فرا طبیعی یکی از اصول بنیادین همه آیین‌ها می‌باشد به گونه‌ای که پیامبر هر آیینی خود را فرستاده موجود ماورائی می‌داند و فرامینی را که اغلب ایدئولوژی پیروان آن آیین برشمرده می‌شود از جانب او به انسانها ابلاغ می‌گردد. در کانون و قلب هر آیین مجموعه‌ایی از تعالیم اخلاقی وجود دارد و همین اخلاقیات الگوی زندگی پیروان هر آیین و مذهب را شکل می‌دهد. تعالی و تکامل انسانها به صورت فردی و یا در میان اعضای جامعه متضمن اجرای صحیح این تعالیم اخلاقی می‌باشد. از این میان در ایران باستان آیینی بر همگان آشکار گردید که از جانب اهورا مزدا بر زرتشت پیامبر نازل شده بود. آیینی که بنیان آن بر مبنای اصول اخلاقی شکل گرفته بود. احکام اخلاقی در آیین کهن زرتشت بر دو محور کلی ابقای زندگی و نبرد علیه شر استوار است. آموزه‌های الهی زرتشت درباره نقش و رسالت اخلاقی انسان و اجتماع مزدایی در تحقق اهداف آفرینش اهورایی در جهان بوده است از این رو در آیین زرتشت جز با مسائل اخلاقی با موضوعات دیگری برخورد نداریم. مسایل اخلاقی در آیین زرتشت اساساً بر مبنای ثنویت مطرح گردیده است به

گونه‌ای که؛ دو گوهر متقابل زرتشتی، سپنتمینیو و انگره‌مینیو بوده و انتخاب ایشان بین راستی (اشه) و دروغ یا گفتار نیک، کردار نیک، پندار نیک و کردار بد، گفتار بد و پندار بد، ریشه ثنویت اخلاقی در دین زرتشت است این دو به عنوان نخستین نمونه انتخاب هر انسان عمل می‌کنند حال خواه درستی را برگزیند یا نادرستی را. خیر یا شر بودن دو گوهر از انتخاب نشأت می‌گیرد.

مفهوم اهورامزدا به عنوان خالق کل عالم اعم از بهشت و جهنم، نور و تاریکی نشان می‌دهد که زرتشت متفکر اصلی و چهره قدرتمند دینی و پیامبری الهی بود که تغییرات اساسی را در محیط فرهنگی و روحانی که در آن تربیت شده بود ایجاد کرد. زرتشت هیچگاه از دو قطب وجودی خیر و شر که از ازل در کنار هم وجود داشته باشند و یکی منبع خیر و دیگری منبع شر باشد سخن نگفت، بلکه او همواره بر انتخاب خیر تأکید ورزید و در گناهای زرتشت، اهورامزدا خدایی واحد است که با نیروها و جلوه‌های ششگانه خود یعنی وهومنه، اشه وهشته، خستره ویریه، سپنتمه‌آرمیتی، هوروات و امرتات این جهان را می‌آفریند و نظام و آیین اخلاقی خویش را در آن برقرار می‌سازد و کسانی را که جانب راستی و آیین بهین او را اختیار کرده‌اند به بهشت برین رهنمون می‌سازد. در این مقاله سعی شده نظام اخلاقی به عنوان وجه شاخص دین زرتشتی مورد بررسی قرار گیرد.

## دین زرتشتی (دین الهی)

زرتشت، قدیمی‌ترین پیامبر آریایی است، که در عصر عتیق ظهور نمود و بنیان‌گذار کیشی توحیدی مبتنی بر اصول اخلاقی گشت. آنچه باعث گردیده تا در روزگار کهن و باستانی هویت زرتشت جلوه‌گاه چنین مرحله عالی و پیشرفته‌ای در تاریخ مذاهب آدمی باشد؛ را شاید بتوان در سه عامل بیان نمود. عامل نخست؛ قدرتمندی کیش باستانی و نیرومندی بود که زرتشت را در دامان خویش

پروراند، زیرا ایرانیان باستان مردمی سخت پایبند به مذهب و عبادت بودند. عامل دوم؛ ناآرامی‌های خشونت‌باری بود که در روزگار زرتشت ظاهر شده و عرصه را بر اقوام ایرانی تنگ کرده بود. عامل سوم؛ شخصیت، استعداد و قابلیت خود زرتشت بود، فصاحت و بلاغت کلام او همراه با صلابت اعتقادات اخلاقی از او پیامبری جلیل‌القدر ساخت که توانست تعلیمات خویش را آشکار سازد (بویس، ۱۳۷۷: ۷۹-۸۰). دینی که زرتشت به تعلیم آن مبعوث شده بود، یکتاپرستی است؛ در این دین ایزدان بسیار وجود دارد که می‌توان گفت همه آنها تجلیات ذات مزدا و در عین حال مجریان اراده اویند که یگانه (خواست خدایی) است (کریستنسن، ۱۳۸۵: ۱۶)، ثنویت و دوگانگی این دین یک امر ظاهری بیش نیست و در واقع نوعی تخالف و تضاد دو روح است که در زیر سطح یک خدای حکیم قرار گرفته‌اند (بالدیک، ۱۳۷۷: ۶۲)، و در نهایت در نبرد بین دو گوهر نیک و بد (دو اصل جهانی) با پیروزی گوهر نیک همه چیز پایان خواهد یافت (کریستنسن، ۱۳۸۵: ۱۶). در ادوار بعد از اسلام زرتشتیان در شمار اهل کتاب جای گرفتند و حتی در قرآن مجید نام مَجُوس یکبار و در سوره حج بیان شده است، در این آیه نام زرتشتیان به مَجُوس (مُعَرَب مَکُوش) تعبیرگشته است. همچنین در بعضی از اخبار و روایات دوران اسلامی پیروان این دین الهی در شمار اهل کتاب خوانده شده‌اند که در این باره حدیثی نیز از پیامبر اکرم (ص) موجود است (نائینی، ۱۳۸۴: ۱۷۹).

### پیامبر ایرانی (زرتشت)

آگاهی‌های تاریخی و واقعی درباره زندگی زرتشت بسیار اندک است. آنچه در اوستا، منابع پهلوی و فارسی آمده است بیشتر جنبه اساطیری دارد، آن چه به یقین در مورد زندگی زرتشت از متون اوستایی برمی‌آید این است که خاندان او (سپیتَمَه) یا (سپیتامه) در پهلوی (سپیتمان) نام داشته است، نام پدرش پورشسپَه (پورشسب) و نام مادرش دوغذووا (در پهلوی دوغدو) و نام پدر بزرگش

هیچتسپه (در پهلوی هپیچتسپ) بوده است. زردشت از کودکی تعلیمات روحانی دیده است زیرا در گاهان (یسن ۳۳، بند ۶) خود را «زوتر» (پهلوی زوت) نامیده است و آن اصطلاحی است که در مورد دین مردی که دارای شرایط کامل روحانیت است به کار می‌رود. همچنین در اوستای متأخر (یشت ۱۳، بند ۹۴) در مورد او کلمه (آثروَن) به کار رفته که به معنی مطلق روحانی و دین‌مرد است. در گاهان (یسن ۴۳) اشاره شده که به او از سوی اورمزد وحی رسیده است، این مطلب به تفصیل در کتاب پهلوی آمده است. نخستین کسی که به او ایمان آورد (میدیوی مانگهه) (پهلوی میدیوماه) بود که نامش در فروردین‌یشت (یشت ۱۳، بند ۹۵) ذکر شده است (آموزگار-تفضیلی، ۱۳۸۴: ۲۵ - ۲۷). زرتشت در تبلیغ دین خود با دشواری‌هایی فراوان روبرو بوده است. او در سرودهای خویش (یسن ۴۶، بند ۲) از فقر و کمی تعداد حامیانش سخن می‌گوید و از بدکاری کوی‌ها و کَرپن‌ها که ظاهراً پیشگویان و روحانیان هم وطن او بودند گله و شکایت دارد و از بعضی دشمنان خود مانند بندوه و گرهمه (یسن ۴۹، بند ۱ و ۲) نام می‌برد سرانجام بر آن می‌شود که از زادگاه خود دور شود و به سرزمین مجاور برود. در این سرزمین که تحت فرمانروایی گشتاسپ است، سرانجام با موفقیت روبرو می‌گردد. بنا به روایات دینی، زردشت در سن ۷۷ سالگی کشته شد (رضی، ۱۳۸۴: ۱۰۴ - ۱۰۵).

## مبانی اخلاق زرتشتی

کوشش‌های اصلاح‌گرانه زرتشت پیامبر، پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در جوامع آریایی و ایرانی باقی گذارد که، منجر به تثبیت نسبی گونه‌ای صورت‌بندی از تألیف مذهب و مدنیت در پیکره سیاست و اجتماع آن دوران شد. آنچه که در آن میان در شکل‌گیری چنان صورتی از محتوای فکر و فرهنگ ایرانی مهم و سازنده می‌نمود، آموزه‌های الهیات پیامبر ایرانی درباره نقش و رسالت

اخلاقی انسان و اجتماع مزدایی در تحقق اهداف آفرینش اهورایی در زیست جهان (جامعه‌گیتیان) بوده است (یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۹۹). در جهان‌بینی زرتشت، تنها رهاکننده انسان، اخلاق انسانی است. از این روی در آیین زرتشت، جز با اخلاق، با موضوع دیگری سروکار نداریم، زرتشت در تبلیغ موازین اخلاقی خود، تا حد امکان ساده عمل می‌کند و چون تکیه او بر ساختار درون انسان است، هرگز رفتار ظواهر و سوسه‌انگیز نمی‌شود این قاطعیت زرتشت در برابر مسائل اخلاقی وسعت، قلمرو جهان‌بینی او را کاملاً مشخص می‌کند (رجبی، ۱۳۶۱: ۱۰۴۸). همانگونه که بیان شد دینی که زرتشت پیامبر ایرانی، تعلیم فرمود یک آیین اخلاقی و طریقه یگانه‌پرستی است. وی مانند موسی (ع) نبی‌موحده‌برائی، خود موجد و شارع دینی نوین گردید، هر چند مبادی و معتقدات بازمانده از پیشینیان را پایه و مبانی تعالیم خود قرار داد (ناس، ۱۳۷۰: ۴۵۶). زرتشت خدای معبود و متعال کیش خود را اهورا مزدا (پروردگار دانا) لقب داده و تنها اهورامزدا و اطرافیان‌ش را شایسته پرستش می‌داند و معتقد است؛ اوست که نور و تاریکی، آسمان، زمین، حرکت جهان و لحظات روز را آفریده است؛ او پدر اشته (عدالت)، وهومنه (اندیشه‌نیک)، آرمیبتی (ایثار) و سپننه مینو (روح نیک) است (گیمین، ۱۳۷۵: ۱۸۹). زرتشت اساس سعادت دنیوی و اخروی را بر سه اصل اخلاقی مهم بنا نهاده که عبارت از: (هومته) منش نیک، (هوخته) گفتار نیک و (هورسته) کردار نیک هستند- (Iyar, ۲۰۰۹: ۶۶). این سه اصل محتوی جرثومه‌های یک (ایده اخلاقی) است که بعدها به تدریج تکامل یافت و جزای نیکان بهشت، تندرستی، بی‌مرگی و ساکن شدن در مقام مینوگان مقدر گشت و کیفر بدکاران عذاب طولانی در مقام دروغان گردید (قدیانی، ۱۳۷۴: ۱۱۶). جنبه اخلاقی دین زرتشت عالیتر و شگفت‌انگیزتر از جنبه دینی و الهی آن است؛ این طرز تصور به زندگی روزانه آدمی شرافت و مفهوم می‌بخشد. اهورا مزدا آفریننده اراده‌ی آزاد (اختیار) است از این‌رو انسان در

قبال اعمالش مسئولیتی خطیر بر عهده دارد و اگر چه خداوند پیرامون اعمال او داوری خواهد کرد، اما حقیقتاً این خود انسان است که به واسطه کردار نیک و بدش نجات می‌یابد و یا محکوم می‌شود (زهر، ۱۳۷۵: ۷۲). مزدپرست، با انتخاب اهورا مزدا، نیکی را در برابر بدی، دین راستین را در برابر دیوان (دئوها) برمی‌گزیند. لذا، هر مزدپرستی باید با بدی نبرد کند. در برابر نیروهای اهریمنی، که در دئوها متجسدند، هیچ ملاحظه‌ای نباید داشت. جهان جلوه‌گاه تقابل فضایل و رذایل اخلاقی است (یسنا، ۲: ۲۸)، اهورا مزدا با فرشتگان مقرب (امشاسپندان) خود نیکوکاران و مزدائیان را یاری می‌کند. زردشت برای (فرزانگی) و خرد و شناخت درست جهان اهمیت فراوانی قابل است (الیاده، ۱۳۷۹: ۵۲). از این رو پیروان دین زرتشت جهان را به صورت میدان مبارزه میان خیر و شر تصور می‌کردند، با این طرز تصور خویش، در خیال محرک‌های نیرومندی در بیرون از قوانین طبیعت مقرر می‌داشتند که فرد را به کار نیک تشویق می‌کرد و ضامن اجرای آن بود. نفس بشری را نیز، مانند صحنه جهان، نبردگاه ارواح پاک با ارواح پلید می‌دانستند؛ با این فرض که انسان برای رسیدن به اخلاق نیک محتاج به تکیه‌گاه فوق طبیعی باشد (ویل دورانت، ۱۳۷۸: ۴۱۱). این تکیه‌گاه اندیشه نیک است، اندیشه نیک از طریق آگاهی و معرفت حاصل می‌شود تا بتوان از طریق آن مسیر درست برای رهایی خود و دیگر انسان‌ها یافت (Hale, ۲۰۱۲: ۵۷).

### امشاسپندان (فرشتگان جلوه‌گر اخلاقیات در ذات اهورامزدا)

زرتشت در گائها اهورامزدا را به شش صفت اخلاقی خاص و فروزگان ممتاز پیوند داده است که همه معنوی و از جنبه‌های والای خداوندگاری است. در ادوار بعدی این صفات خاص اهورایی صورت شخصی یافته و با عقیده کهن هند و ایرانی‌ها درآمیخته و به سان ایزدهای بزرگ جلوه‌گر شده -

است، که به نام فرشتگان مقرب، وزیران یا کارگزاران اهورامزدا عهده‌دار سرپرستی بخشی از آفرینش‌های نیک گشتند، این ایزدان واسطه ارتباط اورمزد با مخلوقات هستند. در فروردین یشت آمده است: ((هر هفت امشاسبند یکسان می‌اندیشند، یکسان سخن می‌گویند و یکسان کار می‌کنند، همه دارای یک منش، گفتار و کردارند. همه را یک سرور به نام اهورامزدا است))، در ستایش خداوند یکتا می‌خوانیم: ((سپاس بزرگ پروردگاری را که با نیروی دانایی خویش برترین مخلوقات خود را که شش امشاسبند باشند بیافرید)) (رضایی، ۱۳۷۴: ۲۳۱). بایستی این نکته مدنظر قرار گیرد که هفتمین امشاسبند خود اهورامزدا می‌باشد. ظاهراً این انگاره‌ها زیر بنای اندیشه‌ها و تأملات بسیار ژرف دین زرتشت را می‌سازند. ایرانیان با اندیشیدن و تأمل درباره (یسنا) به مفهوم هفت آفرینش دست یافته‌اند و با تقدس بخشیدن به آنها گیتی را پالایش و پاک می‌کنند (بویس، ۱۳۷۷: ۱۰۴). این موجودات ستودنی به نام‌های؛ سپنتامینو، بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد و امرداد، تجسمی از مجردات معنوی و اخلاقی هستند، این ایزدان با صفات اخلاقی نیکو جلوه‌ایی از اولوهیت اورمزد بوده و تجلی آنها در انسانها اخلاق نیک را شکل می‌دهد (زهر، ۱۳۷۵: ۵۷).

### سپنتامینو (مینوی مقدس)

نخستین امشاسپند سپنتامینو است و جلوه آن روح افزایش‌بخش، مقدس‌ترین گوهر، قوه‌نیکی، خرد و منش پاک است (رجبی، ۱۳۸۰: ۱۰۰)، قوه‌نیکی نماد اصلی اهورامزدا و روح و اندیشه او به شمار می‌آید (سخایی، ۱۳۸۲: ۱۴۶). خصوصیت افزایش‌بخشی او فقط به اورمزد تعلق دارد، - سپنتامینو به بیان دقیق‌تر نگرش انسان به ذات احدیت است که این نگرش خود عین تواضع و فروتنی محسوب می‌شود. در واقع از میان امشاسبندان مقدس و برکت بخش فقط سپنتامینو در

انحصار خداوند است؛ بقیه ذاتاً به خداوند تعلق دارند اما می توان آنها را به انسانها نیز هدیه و ارزانی کرد (زهر، ۱۳۷۵: ۵۸). **بهمن (اندیشه نیک)**

دومین امشاسپند بهمن (وهومنه) است که جلوه آن اندیشه نیک و خیرخواهی است (گیمن، ۱۳۷۵: ۲۴۶). فرشته ای که اورمزد او را دین آموخت و جایگاهش را در محفل نور معین کرد و او را به ذات خویش قانع ساخت (نائینی، ۱۳۸۴: ۱۷۴)، بهمن با انسان و اندیشه نیک انسان در ارتباط است چون مظهری از خرد آفریدگار است. این خصوصیت مبین آن است که از طریق اندیشه نیک می توان به شناخت دین رسید، او اندیشه نیک را به ذهن آدمیان می برد و ایشان را به سوی آفریدگار رهبری می کند (آموزگار، ۱۳۸۴: ۱۶). این مینوی نیک تضمین گر حضور خداوند در ارواح راستکاران است و پس از مرگ آنان را به بالاترین بخش بهشت رهنمون می سازد (وارنر، ۱۳۸۷: ۲۵۴). اندیشه نیک و خرد از مهمترین اصول اخلاقی در دین زرتشتی هستند و اندیشه ای که نیک است و به سوی نیکی ها گرایش دارد، سرچشمه ی صفات اخلاقی نیک در انسان می گردد. وظیفه ایزد بهمن آن است که نگذارد انسانها با یکدیگر به جنگ و جدال بپردازند و کینه و تعصب را در دل راه دهند او با افزایش فهم و خرد انسانها آنها را به راه راست هدایت می کند (رضایی، ۱۳۷۴: ۲۳۳).

### **اردیبهشت (راستی و پاکی)**

سومین امشاسپند اردیبهشت (اشه وهیشته)، جلوه بهترین اشه، بهترین راستی، پاکی و عدالت است، اشه نسبت به نظام انسانی پیوند نزدیک تری با نظام کیهانی دارد، و نمادی از نظم جهانی، قانون ایزدی و نظام اخلاقی و مادی در جهان است (وارنر، ۱۳۸۷: ۲۵۴-۲۵۵). این امشاسپند نه تنها نظم را در روی زمین برقرار می سازد بلکه حتی نگران نظم دنیای مینوی و دوزخ نیز هست (آموزگار، ۱۳۸۴: ۱۶)، اشه گستره معنایی وسیعی از اصول اخلاقی مانند؛ راستی، پاکی، تقوی، فضیلت، عدالت،



سامان، نظم نیکو یا حقیقت و قانون را دربر می‌گیرد (کریستنسن، ۱۳۸۵: ۱۵). اشه تنها در اوستا ۱۸۰ بار با معانی گوناگون بر زبان زرتشت جاری شده است (رجبی، ۱۳۶۱: ۱۰۵۱)، و در کلام زرتشت همراه و همسنگ یزدان آمده است (ناس، ۱۳۷۰: ۴۵۹) اشه شیوه نگهداری اهور مزدا از جهان است. راستی در چرخش جهان و گردش زمان است، اشه قانونی تغییرناپذیر و جاودانی است (رجبی، ۱۳۶۱: ۱۰۵۱). امشاسبندی است که همواره با بدی و دروغ در حال پیکار و نبرد، و راستی و راستگویی را رهبر است (ناس، ۱۳۷۰: ۴۵۸). اندیشه‌ای و پنداری که بر پایه‌ی اشه شکل بگیرد، به برقراری راستی، پاکی، عدالت، نظم، قانون، می‌انديشد و از دروغ پاک می‌گردد. در حقیقت، راستگویی منبع اخلاق پسندیده و ریشه فضایل است، هرکس این صفت را دارا باشد همه صفات نیک دیگر را هم دارا خواهد شد. کسی که راستگویی را ملکه و شعار خود کرده باشد، نمی‌تواند دزدی، خیانت، غارت، ظلم، دورویی، چاپلوسی و عوام‌فریبی کند چون که اینها با راستگویی راست نمی‌آید و اگر هم در پنهان این کارها را بکند قلب و وجدان او از وی می‌پرسد و از وی بازخواست می‌کند و آن گاه او شرمگین و معذب خواهد شد و عذاب وجدانی علایم دروغگویی او را در وجناتش ظاهر و آشکار ساخته و آسایش روحی را از وی سلب خواهد کرد. بدین جهت راستگویی، مرد را به درستکاری هدایت می‌کند و درستکاری او را راستکار می‌سازد (کاظم‌زاده ایرانشهر، ۱۳۹۳: ۸۰).

### شهریور (نیروی شهریاری)

چهارمین امشاسپند شهریور (خَشْرَه وَئیریه)، جلوه قدرت، نیرو، تسلط بر خویشتن، شهریاری و سلطنت مطلوب است (گیمن، ۱۳۷۵: ۲۴۵)، شهریور در عالم مینوی (روحانی) نماینده‌ی سلطنت - ایزدی، فرّ، اقتدار و سیطره خداوند است (آموزگار، ۱۳۸۴: ۱۷)، او نماد فرمانروایی بهشت است که

نظام حاکم بر آن براساس اراده‌ی اورمزدی است و در اوستا، شهرپور به معنای سرزمین فناپذیر و بهشت برین آمده است (یسنا ۳۰، بند ۸). سرزمینی که جایگاه اهورا مزدا، امشاسپندان و ایزدان است و انسان باید آن‌چنان نیکو زندگانی کند که پس از مرگ شایسته‌ی این مملکت بشود. علاوه بر حکمرانی بر بهشت، شهرپور نماد سلطنت پُر قدرت و توانا در زمین است که شکوه و استقرار خود را از اراده‌ی آفریدگار یافته است (مدرس‌زاده، ۱۳۶۷: ۱۳۸۰)؛ حکومتی که پناه درویشان است و با چیرگی بر نیروهای بد و مخرب، حکومت را از آسیب آنان نگاه می‌دارد (رضایی، ۱۳۷۴: ۲۳۳). در بُندهش آمده است؛ شهرپور را کار آن است که عدل و داد در دل پادشاهان دهد، پیوسته پادشاهان را عادل نگاه دارد، و هر پادشاه که عادل بود دوست شهرپور است (عفی‌فی ۱۳۷۴: ۵۶۸). ایزد (ملک) در قرآن- کریم و ایزد شهرپور در اساطیر ایرانی، هر دو نمادی از فرمانروایی مطلق خداوند بر زمین و بهشت الهی هستند؛ حکومت‌های مورد آرزویی که براساس عدالت، برچیده شدن نیروهای شر، توانایی رزمی، لشکری و یآوری بر ستمدیدگان بنا شده‌اند و از تنعم، برکت و فزونی برخوردارند. در این میان، «فلز» در هر دو مفهوم جایگاه ویژه و تا حدی مشترک دارد؛ آن‌چنان که در هر دو آیین، منشأ الهی داشته و سلاح ایزدان و پیامبران است و در پایان جهان و هنگامه‌ی داوری نیز نقش‌آفرین است. در اساطیر ایرانی، شهرپور همه‌گونه نیرومندی و کامروایی را با سلاح فلزین میسر می‌سازد. علاوه بر این، دستیاران ایزد شهرپور، به گونه‌ی ملموس در هنگام توصیف ملک و بهشت الهی در قرآن کریم تجلی و تمثیل می‌یابند (مدرس‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۷۰).

### سپندارمذ (عشق و فروتنی)

پنجمین امشاسپند سپندارمذ (سپننه آرمئیتی) جلوه اندیشه‌رسا، عشق، فروتنی، اخلاص، بردباری- مقدس، رحمت، سرسپردگی، ایثار و باروری با ویژگی دختران و زنان نیکوکار است (ملک‌پور، ۱۳۸۸:

۹). سپندارمذ به یمن بردباری، صبوری و خاصیت باروریش، دختر خوانده اهورا مزدا قلمداد شده و فرشته موکل بر زنان به شمار می‌رود (عنصری، ۱۳۶۲: ۸۰۷). زرتشت در گائها هجده بار از سپندارمذ یاد می‌کند و بارها او را برای زندگی پاک، آرامش بخشی به کشتزاران، چراگاه‌ها و جانوران، و برای پیدایی یک فرمانروای نیک، به یاری فرا می‌خواند. فر و شکوه هر دین و فرهنگ را باید با احترامی که آن کیش برای زن قایل است سنجید، در آیین زرتشتی مقام زن در جایگاه بسیار والایی قرار گرفته است (رضایی، ۱۳۷۴: ۱۴۸)، تخصیص اسفند روز اسفندماه به (جشن روز زن) در ایران باستان گویای توجه ایرانیان و پیامبرشان به زنان است (ملک پور، ۱۳۸۸: ۹). در این روز مردان به حرمت همپایی زنانشان در گندم‌زارها و خرمن‌گاه‌ها و به پاس صبر، بردباری و مهربانی زنان در پروراندن فرزندان، این روز را که متعلق به فرشته سپندارمذ بوده جشن می‌گرفتند، به زنان خود هدیه می‌دادند و قلمرو زیست را در اختیار آنان می‌نهادند تا به شادی، شور و شغف به نظم و نظام کاشانه و کوی و دیار بپردازند (عنصری، ۱۳۶۲: ۸۰۷).

### خورداد (رسایی و کمال)، امرداد (بی‌مرگی و طول عمر)

ششمین امشاسپند خورداد (هئوروتات) جلوه رسایی، تمامیت، کمال، پالایندگی، درمانگری و مظهری از مفهوم نجات برای افراد بشر است. موکل آب است و آب را حمایت می‌کند، در این جهان شادابی گیاهان مظهر اوست (آموزگار، ۱۳۸۴: ۱۷ - سخایی، ۱۳۸۲: ۴۰). چهارمین یشت از اوستا، خورداد یشت نام دارد که در ستایش این امشاسپند آمده و دارای یازده بند است. در بند یک آن اهورا مزدا به زرتشت می‌گوید، من از برای مردمان پاک، خورداد را برای یاری، رستگاری، رامش و سعادت آفریدم. یعنی نعمت‌ها و پناه‌ها و غیره از طرف امشاسپند خورداد به مردپاک دین بخشیده

می‌شود(جدلی، ۱۳۸۳: ۷۶۵) از میان مقدسان بی‌مرگ خرداد و مرداد هدیه و پاداش مستقیم خداوند به انسان‌های نیکو است(زهر، ۱۳۷۵: ۵۹). آیین زرتشتی همچنین بعد الهی نیز برای خرداد و مرداد قائل است، آنان نعمت‌های بهشتی را برای پارسایان در بهشت مهیا می‌کنند(جدلی، ۱۳۸۳: ۷۶۶).

هفتمین امشاسپند امرداد جلوه بی‌مرگی، طول‌عمر، دارای گوهردارویی و موکل گیاهان است، تجلی دیگری از رستگاری و جاودانی می‌باشد(وارنر، ۱۳۸۷: ۲۵۵). مظهر ذات زوال‌ناپذیر اهورا مزدا است(پور داوود، ۱۳۸۳: ۵۸)، سرور جهانی گیاهان است(رجبی، ۱۳۶۱: ۱۲۷۲)، اوست که گیاهان را می‌رویاند و رمه‌گوسفندان را می‌افزاید(آموزگار، ۱۳۸۴: ۱۸).

علاوه بر امشاسپندان، ایزدان بسیار دیگری وجود داشتند که هر یک نشانگر صفات اخلاقی نیکو بوده‌اند؛ مانند؛ راستگویی، سروش پرهیزگار، ماراسپند، نریوسنگ، ردبلند، رَدوَبَرزید، رشن است، مهرفراخ چراگاه اهرشونگ‌نیکو، پارتد، خواب، باد، دادمندی، پیکار، دادخواهی و دفاع، آشتی و افزونی. دو گروه شش‌گانه امشاسپندان و ایزدان معمولاً در سمت راست و چپ اهورامزدا قرار می‌گیرند و در مقابل او سرنوشه یا سروش (گوهر شنیدن و میانجی بین خدا و انسان) قرار دارد که بر جهان گیتیانه(مادی) نظارت دارد در مقابل هرمزد که بر جهان مینویی(روحانی) ناظر است(وارنر، ۱۳۸۷: ۲۵۶).

## اهمیت اخلاق و غایت آن در آیین زرتشت

### مفهوم نیکی از نگاه زرتشت

اصول اخلاقی زرتشت بر پایه راستی و عدالت بنا نهاده شده و خرد انسان در رابطه تگاتنگ با این دو مفهوم راهنمای انسان در انتخاب مسیر نیک است(۱۵۰: ۲۰۰۹، Iyar). زرتشت همه خوبیها در

جهان را به سه بخش تقسیم نموده و کار درست از این سه حالت خارج نیست این سه حالت همان خوبی و نیکی در اندیشه، گفتار و کردار است.

نیکی در اندیشه در کلام و اندیشه زرتشت عبارت از؛ خداشناسی، ایمان و توکل به خداوند یکتا، فروتنی، قناعت، خیرخواهی، مهربانی، حق‌شناسی، آشتی‌خواهی، سپاسگزاری، دلیری، رحم و مروت، خوش‌قلبی، پاک‌چشمی، انصاف، خوش‌خویی، بردباری، بی‌آزاری، خوشرویی، اعتماد به نفس، بخشندگی، بی‌آزاری، دانش‌پژوهی، وظیفه‌شناسی، حق‌پرستی، رحیم‌دلی و صفات نیکوی دیگری از این نوع است (رضایی، ۱۳۷۴: ۲۰۹).

نیکی در گفتار در کلام و اندیشه زرتشت عبارت از؛ سپاس و ستایش به پروردگار یکتا، راست‌گویی، پیمان‌داری، حق‌گویی، درود و سلام‌گویی، راست‌داوری، خوش‌گفتاری، درست‌گویی، نغز‌گویی، سنجیده‌گویی و صفاتی مانند اینها بوده است (رضایی، همان منبع: ۲۰۹).

نیکی در اصول کرداری از نگاه زرتشت بر دو پایه خدمت به جامعه و حمایت از مسایل اجتماعی استوار است و در صفات اخلاقی نظیر؛ فرمانبرداری از خدا و پیامبر، درستکاری، امانت‌داری، کار و کوشش، ضعیف‌نوازی، احترام از پدر و مادر و استاد، کسب علم و هنر، راست‌گویی، کنترل خشم، پرهیزگاری، اجتناب از کارهای زشت، مهرورزی، ق‌دردانی، حق‌طلبی، دستگیری نیازمندان، دادگری، هنرپروری، بخشندگی و صفات مانند اینها تبلور یافته است (Iyar, ۲۰۰۹: ۱۴۹ - ۱۵۰).

### مفهوم بدی از نگاه زرتشت

زرتشت همه بدیهای جهان را خارج از این سه حالت نمی‌شمارد و معتقد است کار بد و ناپسند از این سه حالت بدی در اندیشه، گفتار و کردار خارج نیست.

بدی در اندیشه در کلام و اندیشه زرتشت در صفات؛ خدانشناسی، عدم ایمان و توکل به خداوند یکتا، غرور، آز و حرص، بدخواهی، دشمنی، ناسپاسی، جنگجویی، بزدلی، بدچشمی، سنگدلی، بی انصافی، خشمگینی، حسدورزی، بی بند و باری، عدم اعتماد به نفس، حساست، بددلی، بی وفایی، نادانی، بی فکری، غفلت و فراموشی، شکاکی، وسوسه، نادرستی و صفات بد دیگری از این نوع متجلی است (رضایی، ۱۳۷۴: ۲۱۰).

بدگفتاری در کلام و اندیشه زرتشت در صفات؛ ناسپاسی از یزدان، دروغگویی، شهادت دروغ، فریب کاری، پیمان شکنی، کفرگویی، ناحق گویی، بد زبانی، زورگویی، بد داوری و صفات بد دیگر نظیر آن‌ها نمایان شده است (رضایی، همان منبع: ۲۱۰).

بدکرداری در کلام و اندیشه زرتشت در صفات؛ نافرمانی از خدا و پیامبر، تنبلی و بیکاری، دزدی، آدمکشی، بی عفتی، مردم آزاری، ستمگری، گدایی، خیانت در امانت، بی هنری، ارتکاب منهیات، حرام خواری، نسنجیده کاری، انتقام جویی، مکاری، گناهکاری، پیروی از عادات زشت و ناروا و صفات بد دیگر نظیر اینها نمایان شده است (رضایی، همان منبع: ۲۱۰).

## قلمرو اخلاق زرتشتی

### مبانی اخلاق فردی در قانون مینویی

بر اساس قانون مینوی در دین زرتشت، چیزی که فروغ آدمی را آلوده می‌کند و انسان را به سوی بدیها می‌کشاند گناه است. گناه باعث دور شدن انسان از خیر و نیکی می‌شود، اهورا مزدا سرچشمه راستی و ضمیر پاک است، همه اندیشه‌ها، گفتارها و کردارهای مخالف اشا(راستی)، برای انسان زیان آور است؛ و از آنجا که اصول اخلاقی مطلق است؛ عمل طبق اشا(راستی)، منافع واقعی و همیشگی فرد را تأمین می‌کند. ریشه اصول اخلاقی اشا، در فروزه‌های اهورا مزدا است. بنابراین

فلسفه اخلاقی زرتشتی، ریشه‌های مینویی دارد، سپنتامینو در بردارنده این فروزه‌هاست، و درخشش آنها در خلقت به طور کلی، و در آفرینش انسان به طور خاص، جلوه‌گر است. آدمیان می‌توانند با تقویت مبانی اخلاقی که در وجود آنان به ودیعه گذاشته شده است، به آن‌چنان جایگاهی برسند که با سپنتامینو و اهورامزدا همراه شوند. آنان که درخشش‌های اخلاقی در وجود خود را خاموش می‌کنند، به انگره‌مینو می‌پیوندند و در تباهی غوطه‌ور می‌شوند (ناس، ۱۳۷۰: ۴۵۸).

### مبانی اخلاقی خانواده در قانون مینویی

در کیش زرتشت، زناشویی به منظور زندگی خوش، خرم، اتحاد، اتفاق، ازدیاد نفوس و تشکیل خانواده چنان بر پایه صحیح و محکم استوار بوده که خود به خود ضامن بقا و دوام زندگی مشترک بوده و مهر و محبت را بین زن و شوهر برای همیشه برقرار می‌ساخت. زرتشت در گاث‌ها در پنجاه و سه بند به پسران و دخترانی که می‌خواهند با هم پیمان ازدواج ببندند اندرز می‌دهد که ای دختران شوی‌کننده و ای دامادان، اینک بی‌آموزم و آگاهتان کنم با غیرت از برای زندگانی پاک منشی بجوشید، هر یک از شما باید در کردار نیک از دیگری پیشی جوید و از این راه زندگانی خود را خوش و خرم سازد (رضایی، ۱۳۷۴: ۱۴۰-۱۴۱).

### مبانی اخلاق اجتماعی در قانون مینویی

رابرت هیوم می‌نویسد: یک زرتشتی ایده‌ال از نظر زرتشت به این صورت تصویر گردیده است: ۱- کسی که فقری را نجات می‌دهد، اهورا را پادشاه می‌سازد. ۲- رفتار خوب در مقابل افراد خوب، و رفتار بد در مقابل افراد بد و شرور مقرر گردیده است. ۳- زندگی و همسرداری مطابق عقل و معاش کاربردی عملی و ضرورت دین است نه زهد و ریاضت‌کشی. ۴- ضابطه‌ای که از کتاب مقدس زرتشتیان که در مکالمات پارسایان بیش از همه تکرار شده و به بهترین وجه اصول اخلاق ایشان را

نشان می‌دهد سه نکته زیر است: پندار نیک، گفتار نیک، رفتار نیک. ۵- در مقابل دشمنان به طور برابر جنگ و در مقابل دوست نیز آنچه دوستان می‌پسندند انجام بده. ۶- تجویز اعمال خشونت در مقابل افراد شرور (هیوم، ۱۳۸۲).

## نقد و بررسی

آنچه در این مقاله بیشتر مورد توجه بود، معرفی اجمالی نظام اخلاقی آیین زرتشت بوده است. مشخص شد که آیین زرتشت، یک ساختار نظام‌مند اخلاقی دارد که از مبانی، غایت، قلمرو و راهکارهای عملی برخوردار است. یکی از مهم‌ترین مبانی این نظام اخلاقی در پیوستگی خدا و انسان شکل گرفته است، زیرا در آیین زرتشت، روان و خرد هر انسان ذره‌ای از روان و خرد کل هستی در معنای واقعی اهورامزداست، اهورامزدایی که عین نیکی و راستی و آفریننده جان و خرد است. در دین زرتشت آزادی اراده مطرح است یعنی از نظر زرتشت خداوند انسان را آزاد و مختار آفریده و برای انسان هیچ نوع جبر و تقدیری وجود ندارد. انسان مختار است میان اندیشه‌ی نیک و بد یکی را انتخاب کند. در عین حال زرتشت تأکید دارد که انسان در زندگی سه اصل پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را شعار خود قرار دهد، و هر زمان که انسان بر مبنای سرشت اصلی خود (نیکی و راستی) رفتار کند روان و خردش با روان و خرد کل یگانه و متحد می‌گردد. انسان دانا و هوشمندی که از منش پاک برخوردار است دوست و طرفدار راستی است و کشوری که پاک‌منش باشد همیشه در حال بالندگی و افزایش است. این مفاهیم نشانگر این نکته است که انسان در اندیشه، گفتار و کردار نیک باید از خرد مقدس یاری بجوید و اساس زندگی خود را بر مبنای راستی



بنیان نهد. اصول و تعالیم مطرح شده از سوی زرتشت بنیان یک زندگی سالم بر مبنای اخلاق را تشکیل می‌دهد. هر انسان که بر اساس آموزش‌های زرتشت عمل نماید و فروزه نیک را در خود استوار سازد، جان و روانش به اهورا مزدا که گوهر هستی و جان جهان است می‌پیوندد و از خرسندی مینویی پیوسته برخوردار می‌گردد و در زندگی‌اش سعادت‌مند می‌شود. سعادت نهایی انسان تنها با اخلاقی زیستن تحقق می‌یابد، البته اخلاقی زیستن مراتب دارد؛ چراکه توان و استعداد مردمان متفاوت است و همه نمی‌توانند مانند یک مومن زندگی کنند.

### نتیجه گیری

از مجموع این مقاله اینگونه می‌توان اینگونه نتیجه گرفت؛ که محور اصلی آیین زرتشت، اخلاق و معنویت است. تمام دغدغه زرتشت، تبیین و عرضه دستورات کلی اخلاقی (مانند مبارزه با هواهای نفسانی، سپاس و ستایش به پروردگار یکتا، راستگویی، پیمان داری، حق‌گویی، درود و سلام‌گویی احترام به انسان‌ها به ویژه والدین و اساتید، محبت به دیگران، و دستورات فراوان اخلاقی دیگر) است که از محسنات و نقاط قوت آیین زرتشت محسوب شده و هر عقل سلیم و فطرت پاکی انسان را به پیروی از آنها سفارش می‌کند. همان‌گونه که در ادیان توحیدی - به ویژه دین مبین اسلام - تعالیم و دستورات فراوان اخلاقی یافت می‌شود که بسیار کامل‌تر و گسترده‌تر از آیین زرتشت به آنها سفارش شده است.

## منابع:

۱. الیاده، میرچا، زردشت و دین ایرانی (فصلی از تاریخ باورها و اندیشه های دینی)، ترجمه احمد سمیعی گیلانی، مجله معارف، ۱۳۷۹، شماره ۵۰، از صص ۴۸ تا ۶۱
۲. آموزگار، ژاله - تفضلی، احمد، اسطوره زندگی زرتشت، تهران، نشر چشمه، چاپ نهم ۱۳۸۴
۳. آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، تهران، انتشارات سمت، چاپ هفتم ۱۳۸۴
۴. بالدیک، ژولیان، مقاله دین مزدایی (زرتشتی)، ادیان آسیا، ویراسته فرید هلم هاردی، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷
۵. بويس، مری، چکیده تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، انتشارات صفی علیشاه چاپ اول ۱۳۷۷
۶. پورداوود، ابراهیم، نام های دوازده ماه (مرداد - شهریور)، نشریه: فرهنگ و هنر - بخارا، مرداد ۱۳۸۳، شماره ۳۷، از صص ۵۷ - ۶۰
۷. جدلی، فاطمه، خرداد و امرداد کمال و بی مرگی، نشریه: زبان و ادبیات - چیستا، تیر ۱۳۸۳، شماره ۲۱۰، از صص ۷۶۵ - ۷۶۸
۸. جلالی نائینی، سید محمدرضا، ثنویان در عهد باستان، تهران، انتشارات طهوری ۱۳۸۴

۹. دورانت، ویل، تاریخ تمدن جلد اول مشرق زمین، مترجمان: احمد آرام، ع. پاشایی، امیرحسین آریان‌پور، چاپ ششم: ۱۳۷۸، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۱۰. رجبی، پرویز، اردی بهشتگان، جشن اخلاق، نشریه: زبان و ادبیات - چیستا، اردیبهشت ۱۳۶۱ - شماره ۹، از صص ۱۰۴۱-۱۰۵۳
۱۱. رجبی، پرویز، خردادگان و مردادگان جشن های کمال و دوام، نشریه زبان و ادبیات - چیستا، خرداد ۱۳۶۱، شماره ۱۰، از صص ۱۲۶۹-۱۲۷۵
۱۲. رجبی، پرویز، اهورامزدا و زرتشت (۳)، نشریه: زبان و ادبیات - نامه انجمن، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۴، از صص ۱۰۰ - ۱۲۵
۱۳. رضایی، عبدالعظیم، اصل و نسب و دین های ایران باستان، نشر موج، چاپ سوم ۱۳۷۴
۱۴. رضی، هاشم، متون شرقی و سنتی زرتشتی جلد اول، تهران، انتشارات بهجت ۱۳۸۴
۱۵. زهر، آرسی، طلوع و غروب زردشتی گری، ترجمه تیمور قادری، تهران، انتشارات فکر روز ۱۳۷۵
۱۶. سخایی، مژگان، آموزه توحید در دین زرتشتی، نشریه: فلسفه، کلام و عرفان، حکمت سینوی (مشکوٰۃ النور)، دی و بهمن ۱۳۸۲، شماره ۲۳، از صص ۱۳۰-۱۵۲
۱۷. عناصری، جابر، در گذرگاه «نسیم وعده» سپندارمذ - امشاسپند عشق و صبوری، تا رویش «گل نوروز» و همآوائی با نوبهار خوانان نوروزی، نشریه: زبان و ادبیات - چیستا، فروردین ۱۳۶۲ - شماره ۱۷ و ۱۸، از صص ۸۰۴ - ۸۳۴
۱۸. عقیفی، رحیم، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، ۱۳۷۴، تهران، انتشارات توس
۱۹. کاظم زاده ایرانشهر، حسین، قسمت فلسفی: نگاهی به فلسفه زردشت و اخلاق امروزی ما، مجله ایرانشهر، سال سوم، دی ۱۲۹۳ - شماره ۱ و ۲، از صص ۷۴ - ۸۱
۲۰. گیمن، دوشن، دین ایران باستان، ترجمه رویا منجم، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵
۲۱. قدیانی، عباس، تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، تهران، انتشارات انیس ۱۳۷۴

۲۲. کریستنسن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، انتشارات صدای معاصر ۱۳۸۵

۲۳. مدرس‌زاده، مریم، بررسی تطبیقی مفهوم ((ملک)) در قرآن کریم با ((شهریور)) در اساطیر ایرانی و نقش فلز در دو آیین، نشریه: علوم انسانی - فرهنگ ، بهار و تابستان ۱۳۸۰ - شماره ۳۷ و ۳۸، از صص ۳۶۱ تا ۳۷۶

۲۴. ملک‌پور، پرویز، اسفند، سپندارمذ، سپنتا ارمئیتی، نشریه: زبان و ادبیات - چیستا ، اسفند ۱۳۸۷ و فروردین ۱۳۸۸ - شماره ۲۵۶ و ۲۵۷، از صص ۹-۱۲

۲۵. ناس، جان، تاریخ جامعه ادیان، مترجم علی‌اصغر حکمت ، تهران، انتشارات علمی فرهنگی ۱۳۸۶

۲۶. وارنر، رکس، دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور ، تهران، نشر اسطوره چاپ سوم ۱۳۸۷

۲۷. هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ یازدهم ۱۳۸۲

۲۸. یوسفی، ماشالله، بازنمایی گفتار نظم اللهیات اخلاقی زرتشت در بایسته های شاهی آرمانی ایران باستان، نشریه علوم سیاسی - سیاست تابستان ۱۳۸۷ ، شماره ۶ (علمی- پژوهشی)، از صص ۲۹۹ - ۳۲۲

۱) Hale, pale, Deceived , published in ۲۰۱۲, printed in the united states of America

۲) Iyer , meena, Faith & Philosophy of Zoroastrianism , published in ۲۰۰۹ in india , by kalpaz publication , singhal printmedia Delhi